

جرم‌انگاری پول‌شویی و گستره آن در اسناد بین‌المللی و نظام حقوقی ایران

ایرج گلدوزیان*

استاد گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

اصغر عباسی

استادیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد چالوس

(تاریخ دریافت: ۱۳۸۵/۲/۳ - تاریخ تصویب: ۱۳۸۵/۴/۴)

چکیده:

پول‌شویی یک تهدید جدی برای سیستم مالی همه کشورها محسوب شده و به حاکمیت دولت‌ها صدمه می‌رساند. این امر به طور گسترده در سطح بین‌المللی شناخته شده است. پول‌شویی به عنوان یک جرم، در دهه هشتاد میلادی آن هم نخست در ارتباط با قاچاق مواد مخدر توجه جامعه بین‌المللی را به خود جلب نموده است.

واژگان کلیدی:

پول‌شویی - جرم مقدم - جرایم خطرناک - قاچاق مواد مخدر - داروهای روان گردان - تهدید سیستم مالی.

مقدمه

با آغاز نیمه دوم قرن بیستم و افزایش روزافزون جرایم سازمان‌یافته و تطهیر عواید ناشی از آن، نگرانی و دغدغه زیادی در برخی ممالک غربی ایجاد شده است. در همین راستا در دهه هشتاد میلادی پدیده پول‌شویی به عنوان یک جرم به ویژه درباره درآمدهای حاصل از قاچاق مواد مخدر و داروهای روان‌گردان مورد توجه کشورهای غربی قرار گرفت. این امر به دلیل آگاهی کشورهای مزبور از سودهای کلان حاصل از جرایم قاچاق مواد مخدر و آثار و پیامدهای سوء این عواید غیرقانونی بر اقتصاد و اجتماع و حکومت بود و موجب شد تا این کشورها با تصویب قوانین ملی به جرم‌انگاری پول‌شویی در قلمرو حقوق ملی خود اقدام نمایند. نخستین کشوری که در قوانین ملی خود، پول‌شویی را به عنوان یک جرم جزائی، به رسمیت شناخت، ایالات متحده آمریکا است. به غیر از «قانون رازداری بانکی مصوب سال ۱۹۷۰» (Banking Secrecy Act (1970)) که با وجود مرتبط بودن آن با پول‌شویی، متضمن جرم‌انگاری این پدیده نبوده است، «قانون کنترل پول‌شویی مصوب سال ۱۹۸۶» (Money Laundering Control Act (1986)) نخستین قانون موضوعه در کشور آمریکا است که بالصرافه تطهیر عواید حاصل از برخی جرایم مثل قاچاق مواد مخدر را جرم انگاشته است. در سیستم حقوقی انگلستان بدو به موجب «قانون راجع به قاچاق مواد مخدر مصوب سال ۱۹۸۶» (Drug Trafficking Offences Act (1986)) تطهیر عواید ناشی از قاچاق مواد مخدر جرم‌انگاری گردید و سپس «قانون عدالت کیفری مصوب سال ۱۹۸۸» (Criminal Justice Act (1988)) قلمرو پول‌شویی را به وجوه مربوط به سازمان‌های تروریستی نیز توسعه داد. علاوه بر ایالات متحده آمریکا و انگلستان، کشور استرالیا نیز در زمره نخستین کشورهایی است که در تصویب و اجرای قوانین مربوط به مبارزه با پول‌شویی و جرم‌انگاری این پدیده پیشقدم بوده است. در این کشور برای نخستین بار قانون «عواید کیفری مصوب سال ۱۹۸۷» (Criminal Proceeds Act (1987)) پول‌شویی را در این کشور جرم انگاشته است. تصویب این قوانین در ممالک یاد شده، مبین آن است که جرم‌انگاری پول‌شویی بدو از حقوق ملی آغاز شده اما از آنجائی که صرف تصویب قوانین ملی به تنهایی برای مهار و کنترل و مبارزه با پول‌شویی کافی نبوده و طبیعت بین‌المللی و فراملی پول‌شویی، اقدامات مشترک و دسته‌جمعی ممالک را اقتضاء می‌نمود به همین لحاظ از اواخر دهه هشتاد میلادی فعالیت بین‌المللی اعم از منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای وجهه همت جوامع بین‌المللی قرار گرفت و از این زمان به بعد به تدریج، در اسناد و معاهدات بین‌المللی جرم‌انگاری پول‌شویی مورد توصیه و تأکید واقع شد و یا بعضاً دول عضو به جرم‌انگاری این پدیده نوظهور ملتزم شدند.

۱- جرم‌انگاری پولشویی در اسناد بین‌المللی

نخستین سند و کنوانسیون بین‌المللی که به ضرورت جرم‌انگاری پولشویی تأکید کرده است کنوانسیون وین مصوب سال ۱۹۸۸ می‌باشد. در این کنوانسیون دول متعاقد ملتزم شدند که تطهیر عواید ناشی از جرایم قاچاق مواد مخدر را جرم‌انگاری نمایند. به موجب ماده ۳ کنوانسیون مذکور دولت‌های عضو متعهد شدند که در قوانین ملی خود، شست و شوی عواید حاصل از جرایم قاچاق مواد مخدر را به عنوان یک عمل مجرمانه توصیف نمایند. فلذا در کنوانسیون مرقوم قلمرو پولشویی فقط به عواید حاصل از قاچاق مواد مخدر محدود شده بود کمااینکه قبل از تدوین این کنوانسیون، در قلمرو حقوق داخلی برخی از کشورها مثل انگلستان نیز بدو فقط به جرم‌انگاری تطهیر عواید حاصل از جرایم مربوط به قاچاق مواد مخدر اقدام گردید. البته این رویکرد ملی و بین‌المللی نسبت به جرم‌انگاری پولشویی آن هم به صورت محدود و با قلمرو خاص عمدتاً مبتنی بر این واقعیت بود که در دهه هشتاد میلادی کثرت و فراوانی جرایم مربوط به قاچاق مواد مخدر در سطح بین‌المللی و حتی در قلمرو حقوق داخلی برخی از ممالک به مراتب بیشتر از جرایم دیگر بوده است. کثرت و فراوانی جرایم مربوط به قاچاق مواد مخدر از یکسو و عواید و وجوه هنگفت و کلان ناشی از این جرایم از سوی دیگر موجب شده است که هم در سطح ملی و هم در سطح بین‌المللی جرم‌انگاری پولشویی بدو فقط در خصوص عواید ناشی از جرایم قاچاق مواد مخدر به رسمیت شناخته شود.

بلافاصله بعد از تدوین کنوانسیون وین، اندیشه توسعه و تعمیم جرم‌انگاری پولشویی به عواید ناشی از جرایم دیگری غیر از جرایم مربوط به قاچاق مواد مخدر نزد جوامع بین‌المللی شکل گرفت. چنین رویکردی به وضوح در نخستین توصیه‌های چهل‌گانه فتف (FATF)، گروه ضربت اقدام مالی علیه پولشویی، (www.fatf.org) که در فوریه سال ۱۹۹۰ میلادی تدوین و صادر گردیده است قابل تشخیص است. به موجب توصیه چهارم، کشورها باید به منظور جرم‌انگاری پولشویی مربوط به جرایم قاچاق مواد مخدر مطابق آنچه که در کنوانسیون وین پیش‌بینی شده است تدابیر تقنینی مورد نیاز را انجام دهند. به این ترتیب ملاحظه می‌شود که نهاد فتف ضمن توصیه‌های چهل‌گانه منتشره همانند کنوانسیون وین فقط جرم‌انگاری پولشویی مربوط به جرایم قاچاق مواد مخدر را ضروری تشخیص داده است. با این وجود لازم به ذکر است که توسعه و تعمیم قلمرو پولشویی نیز از نظر تدوین‌کنندگان توصیه‌های چهل‌گانه مصوب سال ۱۹۹۰ مغفول نمانده است. چرا که در توصیه پنجم تصریح شده است به اینکه کشورها باید توسعه جرم پولشویی به فراتر از جرایم قاچاق مواد مخدر را مورد بررسی و ملحوظ نظر قرار دهند. به موجب این توصیه، دولت‌ها باید گسترش قلمرو جرم پولشویی را به همه جنایات شدید یا برخی از جرایم شدید و یا جرایمی که عواید کلان تولید می‌کنند، مورد بررسی قرار

دهند. پیش‌بینی چنین مقرره‌ای در توصیه پنجم از توصیه‌های چهل‌گانه سال ۱۹۹۰ بیانگر آن است که نهاد فتف علاوه بر الزام دولت‌ها به جرم‌انگاری تطهیر عواید حاصل از قاچاق مواد مخدر، به آن‌ها توصیه نموده است که راجع به توسعه قلمرو پول‌شویی به جرایم دیگر نیز موضوع را بررسی نموده و در صورت امکان در قوانین ملی خود بگنجانند. به عبارت دیگر توصیه چهارم حاوی الزام دولت‌ها به جرم‌انگاری پول‌شویی مربوط به عواید ناشی از قاچاق مواد مخدر و توصیه پنجم متضمن یک توصیه و رهنمود به دولت‌ها به منظور توسعه قلمرو پول‌شویی به عواید ناشی از جرایم دیگر می‌باشد.

توصیه‌های چهل‌گانه فتف مصوب سال ۱۹۹۰ تاکنون دو بار مورد اصلاح و بازنگری قرار گرفت. این توصیه‌ها بار اول در سال ۱۹۹۶ میلادی و بار دیگر در سال ۲۰۰۳ میلادی مورد تجدیدنظر واقع شد. یکی از موارد اصلاح و بازنگری در هر دو مرحله یاد شده ناظر به توسعه دامنه جرم‌انگاری پول‌شویی بوده است. در توصیه چهارم اصلاحی سال ۱۹۹۶ ضمن الزام دولت‌ها به اتخاذ تدابیر مقتضی از جمله تدابیر تقنینی برای جرم‌انگاری پول‌شویی عواید ناشی از جرایم قاچاق مواد مخدر مطابق کنوانسیون وین، همچنین آن‌ها ملتزم شدند که جرم پول‌شویی را به عواید ناشی از همه جرایم شدید توسعه دهند. در قسمت اخیر توصیه مرقوم تصریح شده بود که هر کشوری طبق قوانین ملی خود جرایم شدید را که در واقع همان «جرایم اصلی و مقدم بر پول‌شویی» می‌باشد تعیین و پیش‌بینی خواهد نمود. بالاخره در اصلاحیه سال ۲۰۰۳ نیز تغییراتی در خصوص موضوع مورد بحث ایجاد شده است. در توصیه‌های چهل‌گانه اصلاحی سال ۲۰۰۳، توصیه اول به بیان ضرورت جرم‌انگاری پول‌شویی اختصاص یافت. مطابق این توصیه دولت‌ها باید بر اساس کنوانسیون وین مصوب سال ۱۹۹۸ و کنوانسیون پالرمو مصوب سال ۲۰۰۰ میلادی، پول‌شویی را جرم‌انگاری نمایند. یعنی علاوه بر اینکه باید بر اساس کنوانسیون وین تطهیر عواید مربوط به جرایم قاچاق مواد مخدر را جرم‌انگاری نمایند، بلکه همچنین باید وفق کنوانسیون پالرمو تطهیر عواید مربوط به جرایم سازمان‌یافته مصرحه در این کنوانسیون را هم به عنوان جرم جزائی قلمداد کنند. مضافاً به اینکه در توصیه‌های چهل‌گانه فتف اصلاحی سال ۲۰۰۳ میلادی، دولت‌ها ملزم شدند که جرم پول‌شویی را به همه جرایم شدید توسعه دهند.

کنوانسیون شورای اروپا در مورد تطهیر، تفتیش، توقیف و مصادره عواید جرم معروف به کنوانسیون استراسبورگ، که در تاریخ دوازدهم سپتامبر سال ۱۹۹۰ میلادی به تصویب کمیته وزیران شورای اروپا رسید دول متعاقد را ملتزم می‌نماید که به منظور جرم‌انگاری پول‌شویی مربوط به عواید ناشی از تمام جرایم کیفری در قوانین ملی خود، تدابیر مقتضی را اتخاذ نمایند (Strasbourg Convention, Article 6(1)) به این ترتیب در این کنوانسیون جرم پول‌شویی نه فقط

به عواید ناشی از جرایم شدید بلکه به تمام جرایم کیفری توسعه داده شد. النهایه در بند چهارم ماده ۶ کنوانسیون تصریح شده است که هر دولتی می‌تواند در زمان امضاء یا تودیع اسناد تصویب یا الحاق به وسیله یک اعلامیه خطاب به دبیر کل شورای اروپا اعلام نماید که جرم پولشویی فقط به جرایمی که در اعلامیه فهرست آن ذکر شده است، قابل اعمال خواهد بود. در توصیه‌های نوزده‌گانه گروه ضربت اقدام مالی کشورهای حوزه دریای کارائیب معروف به توصیه‌های نوزده‌گانه اروبا (Aruba) که در ماه ژوئن سال ۱۹۹۰ میلادی تدوین و تصویب گردیده است، کشورهای عضو متعهد شدند که در قلمرو حقوق داخلی خود، پولشویی را به عنوان یک جرم جزایی به رسمیت بشناسند. اما تصمیم‌گیری پیرامون قلمرو و دامنه پولشویی یعنی اینکه چه جرایمی باید به عنوان «جرم اصلی و مقدم بر پولشویی» محسوب شود، به خود دول عضو محول گردیده است. معهدا تاکید گردیده است که هر کشوری در این زمینه باید با آگاهی کامل از مشکلات عملی احتمالی که ممکن است در صورت محدود بودن جرایم اصلی به برخی از جرایم خیلی خاص بروز نماید، تصمیم‌گیری نماید. (19 Aruba Recommendations, Rec.3)

دستورالعمل شورای جوامع اروپایی در مورد جلوگیری از مورد استفاده قرار گرفتن سیستم مالی به منظور پولشویی مصوب سال ۱۹۹۱، دول عضو را ملزم می‌نماید که طبق قوانین ملی خود تظهير عواید ناشی از جرایم قاچاق مواد مخدر موضوع بند (الف) از فراز اول ماده ۳ کنوانسیون وین را جرم‌انگاری نمایند. به علاوه در قسمت اخیر ماده یک دستورالعمل مرقوم تصریح شده است که دول عضو می‌تواند در راستای اهداف این دستورالعمل دامنه جرم‌انگاری پولشویی را به جرایم دیگری نیز تعمیم و توسعه دهند. دستورالعمل سال ۱۹۹۱ به منظور روز آمد شدن، در چهارم دسامبر سال ۲۰۰۱ میلادی مورد اصلاح و تجدیدنظر قرار گرفت. یکی از موارد اصلاحی در این دستورالعمل ناظر به توسعه قلمرو جرم‌انگاری پولشویی از جرایم مربوط به قاچاق مواد مخدر به همه جرایم شدید می‌باشد. چنین اصلاح و تحولی با الهام از اسناد بین‌المللی مقدم‌التصویب صورت گرفته است. گروه ضربت اقدام مالی علیه پولشویی موسوم به فتف در توصیه‌های چهل‌گانه مصوب سال ۱۹۹۶ میلادی دولت‌ها را ملزم نمود که در قوانین ملی خود تظهير عواید ناشی از همه جرایم شدید را جرم‌انگاری نمایند. از این‌رو، ضرورت جرم‌انگاری پولشویی نسبت به همه جرایم شدید از ابتکارات دستورالعمل اصلاحی سال ۲۰۰۱ میلادی نمی‌باشد بلکه قبل از آن نیز توسط نهاد فتف مورد پذیرش و تاکید قرار گرفته بود.

در کنوانسیون پالمو، دولت‌های متعهد ملتزم شدند که دامنه جرم‌انگاری پولشویی را به همه جرایم شدید مصرحه در ماده ۲ کنوانسیون و جنایاتی که در مواد ۵ و ۸ و ۲۳ این کنوانسیون پیش‌بینی شده است، تعمیم دهند و تظهير عواید حاصل از همه این جرایم را واجد

وصف جزائی تلقی نمایند. کنوانسیون پالمو به عنوان یک کنوانسیون بین‌المللی جهان‌شمول برای اولین بار «جرم شدید» را تعریف نموده است. به موجب بند (ب) ماده ۲ کنوانسیون، جرم شدید به هر جرمی گفته می‌شود که حداقل کیفر آن چهار سال حبس یا مجازات‌های شدیدتر باشد. فلذا تمامی این جرایم به علاوه جرایم موضوع مواد ۵ و ۸ و ۲۳ کنوانسیون پالمو، به عنوان جرایم اصلی و مقدم بر پول‌شویی مورد تاکید کنوانسیون قرار گرفته و تمام دول عضو به جرم‌انگاری پول‌شویی مربوط به عواید همه این جرایم متعهد و ملتزم می‌باشند. در توصیه‌های هشت‌گانه ویژه فتف راجع به مبارزه با تأمین مالی تروریسم، تأکید شده است که دولت‌ها باید در قوانین ملی خود تطهیر عواید و وجوه مربوط به فعالیت‌های تروریستی را نیز جرم‌انگاری نمایند.

اگرچه کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با فساد مالی تاکنون وارد مرحله اجرائی نشده است و در نتیجه لازم‌الاجرا نمی‌باشد، معهدا با توجه به اینکه این کنوانسیون نیز مثل سایر کنوانسیون‌های بین‌المللی دیر یا زود اجرا خواهد شد فلذا ذکر این مطلب لازم است که در این کنوانسیون نیز دول متعهد ملتزم شدند که جرم‌انگاری پول‌شویی را حداقل به طیف وسیعی از جرایم مصرحه در کنوانسیون مرقوم از جمله جرم ارتشاء و اختلاس تعمیم و تسری دهند.

مجمع عمومی سازمان ملل متحد با تصویب اعلامیه سیاسی و طرح اقدام جهانی علیه پول‌شویی در ماه ژوئن سال ۱۹۹۸ میلادی، از تمام دول عضو درخواست کرد که در قوانین ملی خود تطهیر وجوه حاصل از جرایم شدید را جرم‌انگاری نمایند. با ملاحظه سیر تاریخی شکل‌گیری و تدوین اسناد و معاهدات بین‌المللی این نتیجه حاصل می‌شود که جرم‌انگاری پول‌شویی بدو از جرایم مربوط به قاچاق مواد مخدر آغاز شده و سپس و به مرور، قلمرو آن به سایر جرایم شدید توسعه و تعمیم یافته است به گونه‌ای که امروزه در اغلب سیستم‌های حقوقی واجد قوانین مبارزه با پول‌شویی، تطهیر عواید مربوط به تمام جرایم شدید دارای وصف مجرمانه می‌باشد.

کشورهایی که کنوانسیون‌های بین‌المللی و یا منطقه‌ای مرتبط با پول‌شویی را تصویب نموده‌اند و با این ترتیب در قبال اجرای مفاد این کنوانسیون‌ها متعهد می‌باشند، به تبع آن موظف هستند که در چارچوب کنوانسیون مصوب، نسبت به جرم‌انگاری پول‌شویی اقدام نمایند و این حداقل تعهدات دول متعهد می‌باشد. از این رو دول عضو کنوانسیون وین باید تطهیر عواید ناشی از جرایم قاچاق مواد مخدر و دول عضو کنوانسیون پالمو باید تطهیر عواید ناشی از جرایم سازمان یافته موضوع این کنوانسیون را جرم‌انگاری نمایند و قس علیهذا.

در اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی دول متعهد علاوه بر جرم‌انگاری مباشرت در پول‌شویی، ملتزم شدند که شرکت در ارتکاب، همکاری یا تبانی در ارتکاب، شروع به ارتکاب،

هرگونه مساعدت در ارتکاب جرم پولشویی (اعم از اینکه به صورت حضور در صحنه یا بدون حضور در صحنه جرم باشد) را نیز در قوانین ملی خود جرم‌انگاری نمایند. ضرورت جرم‌انگاری موارد یاد شده هم در اسناد و کنوانسیون‌های منطقه‌ای و هم در کنوانسیون‌ها و اسناد بین‌المللی پیش‌بینی شده است. با این تفاوت که در برخی از اسناد بین‌المللی مثل کنوانسیون استراسبورگ (ماده ۶) و دستورالعمل‌های سال ۱۹۹۱ و سال ۲۰۰۱ شورای اروپا (ماده یک) دول متعاقد بدون قید و شرط به جرم‌انگاری موارد معنونه در قوانین ملی خود متعهد و ملتزم شدند اما در اغلب اسناد و معاهدات بین‌المللی مثل کنوانسیون وین (ماده ۳) و کنوانسیون پالمو (ماده ۶) و کنوانسیون مبارزه با فساد مالی (ماده ۲۳) جرم‌انگاری موارد یاد شده مشروط به انطباق آن با اصول و مفاهیم اساسی حقوق داخلی دولت‌های متعاقد گردیده است تا در صورت تجویز حقوق ملی نسبت به جرم‌انگاری این موارد اقدام نمایند.

۲- جرم‌انگاری پولشویی در حقوق ایران

در حقوق داخلی ایران تاکنون قانون خاصی در خصوص جرم‌انگاری پولشویی تصویب نشده است و به همین دلیل برخلاف اغلب سیستم‌های حقوقی، در حقوق ملی ایران تطهیر اموال و عواید حاصل از جرم واجد وصف جزائی نمی‌باشد. این خلاء حتی راجع به تطهیر اموال و عواید مربوط به جرایم قاچاق مواد مخدر هم صادق است. با وجودی که کنوانسیون وین در سال ۱۳۷۰ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است معزاً دولت ایران برخلاف تعهدات مصرحه در این کنوانسیون تاکنون در جهت تصویب قوانین ملی متناسب برای جرم‌انگاری پولشویی در چارچوب کنوانسیون مذکور اقدامی انجام نداده است. حال آنکه با تصویب کنوانسیون وین در مجلس شورای اسلامی، دولت ایران به جرم‌انگاری پولشویی مربوط به جرایم مواد مخدر متعهد و ملتزم گردیده است. با وجودی که قانون اصلاح قانون تشدید مبارزه با مواد مخدر مصوب سال ۱۳۷۶ چند سال بعد از تصویب کنوانسیون وین در مجلس شورای اسلامی به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسیده است، مع‌الوصف در این مصوبه نیز هیچ اشاره‌ای به جرم‌انگاری تطهیر وجوه حاصل از قاچاق مواد مخدر نشده است.

لایحه مبارزه با پولشویی که بنا به پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی در جلسه مورخ ۱۳۸۱/۶/۲۷ هیات وزیران به تصویب رسیده است و نهایتاً در قالب هشت ماده و پنج تبصره در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ ششم اردیبهشت ماه سال ۱۳۸۳ مجلس شورای اسلامی تصویب شده است به لحاظ مخالفت شورای نگهبان و بقاء مجلس بر مصوبه خود، به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال گردیده است. با تشکیل مجلس هفتم حسب توافق معموله

فی‌مابین مجلس شورای اسلامی و مجمع تشخیص مصلحت نظام مصوبه مذکور بدون هرگونه اظهارنظری عیناً به مجلس شورای اسلامی اعاده شده و تاکنون سرنوشت نهایی آن مشخص نشده است. در لایحه مبارزه با پول‌شویی مصوب مجلس شورای اسلامی، محدوده جرم‌انگاری پول‌شویی بسیار وسیع و گسترده پیش‌بینی شده است. در این لایحه تطهیر عواید حاصل از تمام اعمال مجرمانه، تحت عنوان پول‌شویی واجد وصف کیفری قلمداد گردیده است. به این ترتیب دامنه جرم‌انگاری پول‌شویی در لایحه مذکور حتی در مقایسه با بسیاری از کنوانسیون‌های بین‌المللی هم وسیع‌تر است. چرا که در اغلب اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی گستره جرم پول‌شویی به جرایم و جنایات شدید محدود شده است.

با وجودی که در اغلب اسناد و معاهدات بین‌المللی ناظر به پول‌شویی، علاوه بر ضرورت تصویب قوانین ملی برای جرم‌انگاری پول‌شویی، همچنین به ضرورت جرم‌انگاری مصادیق دیگری مثل شروع به جرم پول‌شویی، شرکت و معاونت در این جرم هم اشاره شده است معهداً لایحه مبارزه با پول‌شویی در همه این موارد ساکت می‌باشد. البته با توجه به وجود ماده ۴۲ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰ در زمینه شرکت در جرم و ماده ۴۳ قانون مذکور و ایضاً ماده ۷۲۶ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۵ در خصوص معاونت در جرم، سکوت لایحه مبارزه با پول‌شویی در این مورد بلاشکال می‌باشد. اما این سکوت در خصوص شروع به جرم پول‌شویی پیامد منفی به دنبال دارد چرا که در سیستم حقوقی ایران وفق ماده ۴۱ قانون مجازات اسلامی، شروع به جرم در صورتی قابل مجازات می‌باشد که در قانون تصریح شده باشد. از این رو در لایحه مبارزه با پول‌شویی مصوب مجلس شورای اسلامی شروع به جرم پول‌شویی فاقد وصف جزائی می‌باشد. این در حالی است که طبق کنوانسیون‌های بین‌المللی دولت‌های متعاقد علاوه بر جرم‌انگاری پول‌شویی به جرم‌انگاری شروع به جرم پول‌شویی نیز متعهد و ملتزم شدند.

برخی از حقوق‌دانان کشور معتقدند ماده ۶۶۲ قانون مجازات اسلامی که اختفاء، تحصیل، قبول و مورد معامله قراردادن اموال مسروقه را واجد وصف کیفری شناخته است، نمونه بارزی از نصوص قانونی مرتبط با پول‌شویی در حقوق کیفری ایران می‌باشد. از این دیدگاه، اگرچه در سیستم حقوقی ایران تاکنون قانون مستقلی در زمینه مبارزه با پول‌شویی تصویب و اجرا نشده است، معهداً در برخی از مواد قوانین جزائی مثل ماده ۶۶۲ قانون مجازات اسلامی، بعضی از مصادیق جرم پول‌شویی پیش‌بینی گردیده است. (میر محمد صادقی، ۱۳۷۹، ص ۱۲).

آنچه مسلم است ماده اخیرالذکر فقط ناظر به اموال ناشی از جرم سرقت می‌باشد و اموال حاصل از سایر جرایم مالی نظیر کلاهبرداری، خیانت در امانت، اخاذی و همچنین اموال ناشی از جرایم غیرمالی نظیر قتل، آدم‌ربایی که من‌غیرمستقیم منجر به تحصیل مال می‌شوند، در دامنه

شمول این ماده قرار نمی‌گیرند. وانگهی ماده ۶۶۲ قانون مرقوم حتی از حیث عنصر مادی هم ناقص است. چرا که در این ماده فقط به اعمال و رفتارهایی چون تحصیل، مخفی یا قبول نمودن و یا مورد معامله قرار دادن اشاره شده است و سایر مصادیق رایج پولشویی مثل تبدیل کردن یا خارج کردن مال از کشور مورد اشاره قرار نگرفته است. در نتیجه طبق ماده ۶۶۲ قانون مجازات اسلامی، فقط جرم سرقت به عنوان «جرم اصلی و مقدم بر پولشویی» محسوب می‌شود و در این مورد خاص نیز فقط انجام برخی رفتارها و اعمال معین نسبت به مال مسروق، دارای وصف مجرمانه می‌باشد. علاوه بر ماده ۶۶۲ قانون مجازات اسلامی، ماده ۲ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری هم در خور توجه و امعان نظر می‌باشد. به موجب این ماده، به طور کلی تحصیل هر نوع مال یا وجهی که طریق تحصیل آن فاقد مشروعیت قانونی باشد، واجد وصف مجرمانه بوده و مرتکب به سه ماه تا دو سال زندان و یا جریمه نقدی معادل دو برابر مال به دست آمده محکوم خواهد شد. به این ترتیب وفق ماده مرقوم هر کس بداند که مالی منشاء مجرمانه دارد و با این وجود آن را تحصیل کند، مجرم محسوب شده و مستحق کیفر است. از آنجائی که تحصیل اموال ناشی از جرم، یکی از مصادیق جرم پولشویی می‌باشد فلذا می‌توان ماده ۲ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری را از جمله مستندات قانونی مرتبط با پولشویی قلمداد کرد. البته ماده مرقوم از میان همه مصادیق متنوع و متعدد پولشویی، فقط «تحصیل مال» را پیش‌بینی نموده است در حالی که قلمرو پولشویی به مراتب گسترده‌تر از مصداق پیش‌بینی شده در این ماده می‌باشد.

به نظر می‌رسد در سیستم حقوقی ایران، مهم‌ترین نص قانونی ناظر به پولشویی، ماده ۱۴ قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۳/۵/۱۷ می‌باشد. به موجب این ماده هرگونه نقل و انتقال اموال موضوع اصل ۴۹ قانون اساسی به منظور فرار از مقررات قانون پس از اثبات باطل و بلااثر است، انتقال گیرنده در صورت مطلع بودن و انتقال‌دهنده به مجازات کلاهبرداری محکوم خواهد شد. بنابراین طبق ماده مذکور نه تنها نقل و انتقالات اموال موضوع اصل ۴۹ قانون اساسی به منظور فرار از مصادره و امثال آن بعد از اثبات باطل و بلااثر است، بلکه منتقل‌الیه نیز در صورت عالم بودن مجرم تلقی شده و مستوجب کیفر بزه کلاهبرداری می‌باشد. آنچه که به این ترتیب در ماده ۱۴ قانون مذکور پیش‌بینی گردیده است. فی‌الواقع یکی از صور تطهیر پول (یعنی تطهیر پول از طریق انتقال دارایی با علم به اینکه آن دارایی، عواید ناشی از جرم می‌باشد) شناخته می‌شود.

اگرچه نصوص قانونی یاد شده، به طور تلویحی و غیرمستقیم متضمن برخی از صور و مظاهر پولشویی و جرم‌انگاری آن در سیستم حقوقی ایران می‌باشند معیناً وجود این نصوص پراکنده و ناقص در قوانین موضوعه جمهوری اسلامی ایران وافی به مقصود نبوده بلکه

تصویب یک قانون مبارزه با پول‌شویی مستقل که جامع همه قواعد و استانداردهای بین‌المللی باشد امری لازم و ضروری است. چرا که چنین قانونی باید حاوی احکام و مقررات متنوعی مشتمل بر تدابیر پیشگیرانه و تدابیر سرکوب‌گرانه راجع به پول‌شویی و تعریف و توصیف دقیق و شفاف از این بزه باشد حال آنکه در شرایط فعلی خلاء وجود چنین قانونی در سیستم حقوقی ایران محسوس است و حداقل انتظار این است که لایحه مبارزه با پول‌شویی مصوب مجلس شورای اسلامی پس از جرح و تعدیل لازم به تصویب نهایی رسیده و لازم‌الاجرا گردد. در بین متولیان اقتصادی کشور، رویکردی وجود دارد که از اساس با تصویب قانون مبارزه با پول‌شویی مخالف است. مطابق این طرز تفکر برای کشوری مثل ایران که از نقل و انتقالات سرمایه محدودی با جهان برخوردار است و از محدودیت منابع ارزی در دسترس و عدم توسعه بازار مالی رنج می‌برد، ممانعت از ورود منابع ارزی که برای تطهیر، روانه کشور می‌شوند فاقد توجیه اقتصادی می‌باشد. برخی دیگر به بهانه امکان فرار سرمایه از کشور با تصویب قانون مبارزه با پول‌شویی و جرم‌انگاری تطهیر پول مخالفت می‌ورزند. (شیرکوند، ۱۳۸۲، ص ۲۳۳) با وجود چنین تفکراتی در سطح مسئولین که خوشبختانه در اقلیت می‌باشند با توجه به آثار و پیامدهای سوء اقتصادی و اجتماعی و سیاسی پدیده پول‌شویی، رویکرد غالب بین مسئولین کشور و سیاست‌گزاران اقتصادی این است که هر چه سریع‌تر قانون مبارزه با پول‌شویی تصویب و اجرا گردد به ویژه آنکه الزامات ناشی از حیات بین‌المللی کشور و ضرورت ارتباط با سایر ممالک دنیا، تصویب چنین قانونی را بیش از پیش ضروری می‌نماید. کمااینکه سازمان تجارت جهانی، تصویب قانون مبارزه با پول‌شویی را از جمله پیش‌شرط‌های پذیرش عضویت ایران در آن سازمان قرار داده است. (اسعدی، ۱۳۸۲، ص ۲۷۰)

بدیهی است در خصوص ضرورت جرم‌انگاری پول‌شویی آن هم ضمن یک قانون مستقل و فراگیر تردیدی وجود ندارد. به خصوص آنکه اصل ۴۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بستر قانونی لازم را برای تصویب چنین قانونی مهیا نموده و بر مبنای این اصل و با اتکای به آن، می‌توان به جرم‌انگاری پول‌شویی در قلمرو حقوق ملی ایران پرداخت.

۳- قلمرو جرایم اصلی^۱

پول‌شویی یک جرم تبعی و فرعی است و همواره مسبوق بر جرم اصلی می‌باشد و در صورت فقدان جرم اصلی، جرم پول‌شویی هم موضوعاً منتفی است. تحقق جرم پول‌شویی وابسته به وجود جرم اصلی از قبیل قاچاق مواد مخدر، اختلاس، ارتشاء و... می‌باشد. ابتدا جرم اصلی واقع می‌شود و پس از آن اقدامات و فعل و انفعالاتی بر روی درآمدهای حاصل از

1 . Predicate Offences or Original Crimes or Underlying Crimes.

جرم اصلی (خواه توسط مرتکب جرم یا توسط شخص ثالث) صورت می‌گیرد تا منشاء غیرقانونی عواید ناشی از جرم اصلی پنهان گردد.

کنوانسیون وین (۱۹۸۸) بدون اینکه به موضوعی بنام «جرم اصلی» اشاره نماید، فقط جرایم مربوط به قاچاق غیرقانونی مواد مخدر را به عنوان جرایم مسبوق بر پول‌شویی به رسمیت می‌شناسد. طبق ماده ۳ این کنوانسیون دول عضو متعهد می‌باشند که در قوانین ملی خود، پول‌شویی مربوط به جرایم قاچاق مواد مخدر را جرم‌انگاری نمایند. از این رو می‌توان گفت در کنوانسیون وین فقط جرایم مربوط به قاچاق غیرقانونی مواد مخدر به عنوان جرایم اصلی و مقدم بر پول‌شویی محسوب می‌شود. به این ترتیب دامنه جرایم اصلی در این کنوانسیون بسیار مضیق و محدود است. کنوانسیون استراسبورگ (۱۹۹۰)، نخستین کنوانسیون بین‌المللی در سطح منطقه‌ای است، که ضمن آن به طور صریح به اصطلاح «جرم اصلی» اشاره شده است. به موجب این کنوانسیون «جرم اصلی به معنای هر جرم جزائی است که در نتیجه ارتکاب آن عوایدی تولید می‌شود که مداخله در این عواید ممکن است مطابق تعریف مصرحه در ماده ۶ این کنوانسیون واجد وصف کیفری باشد». (Strasbourg Convention, Art 1(e)).

از مقایسه کنوانسیون وین و کنوانسیون استراسبورگ در زمینه جرم اصلی این نتیجه حاصل می‌شود که کنوانسیون استراسبورگ برخلاف کنوانسیون وین مفهوم موسعی از جرم اصلی را می‌پذیرد به گونه‌ای که تمام جرایم موجد عواید جزائی، به عنوان جرم اصلی تحت شمول کنوانسیون استراسبورگ قرار می‌گیرند. البته بند ۴ ماده ۶ کنوانسیون مرقوم به دول عضو این اختیار و امکان را می‌دهد که در زمان امضاء یا تودیع اسناد تأیید، قبول، تصویب یا الحاق، به موجب اعلامیه‌ای خطاب به دبیرکل شورای اروپا اعلام نمایند که فقط جرایم مصرحه در اعلامیه را به عنوان جرایم اصلی و مقدم بر پول‌شویی به رسمیت می‌شناسند.

در دستورالعمل سال ۱۹۹۱ به طور صریح به «جرم اصلی» اشاره نگردیده است و برای تشخیص جرم اصلی به کنوانسیون وین اتکاء شده است و دول عضو متعهد شدند که نسبت به جرم‌انگاری پول‌شویی مربوط به جرایم قاچاق مواد مخدر اقدام نمایند. اما با این وجود به دول عضو اجازه داده شده است که به منظور دستیابی به مقاصد مذکور در این دستورالعمل، سایر فعالیت‌های جزائی را نیز به عنوان جرایم مسبوق بر پول‌شویی (جرم اصلی) قلمداد نمایند. (Directive 91/308/EEC, Art 1).

اما دستورالعمل سال ۲۰۰۱ که به منظور اصلاح و روزآمد کردن دستورالعمل سال ۱۹۹۱ تصویب شده با الهام از توصیه‌های چهل‌گانه فتنف مصوب سال ۱۹۹۶ و کنوانسیون استراسبورگ قلمرو جرم اصلی را به همه جرایم شدید توسعه و گسترش داده است. (Directive 2001/97/EC, Art 1) در بند (ه) ماده یک این دستورالعمل پیش‌بینی شده است:

«عمل مجرمانه به معنای هر نوع مداخله در ارتکاب یک جرم شدید است و جرایم شدید حداقل مشتمل بر موارد ذیل می‌باشد:

۱- هر جرمی که در ماده (الف) (۱) ۳ کنوانسیون وین قید شده است.
 ۲- فعالیت‌های سازمان جنایی آن‌طور که در پیمان مشترک JHA/۹۸/۷۳۳ تعریف گردیده است.

۳- کلاهبرداری، حداقل نوع خطرناک آن، به گونه‌ای که در ماده ۱ و ماده ۲ کنوانسیون محافظت از منافع اقتصادی جوامع اروپایی تعیین و توصیف شده است.

۴- جرم فساد مالی (Corruption)

۵- هر جرمی که طبق قوانین کیفری دول عضو عواید زیادی تولید کند یا جرمی که با مجازات شدید حبس قابل مجازات باشد.

به علاوه در قسمت اخیر بند (ه) ماده یک دستورالعمل سال ۲۰۰۱ تصریح شده است که «... از نظر این دستورالعمل دول عضو اتحادیه اروپا می‌توانند هر جرم دیگری را به عنوان یک عمل مجرمانه (در واقع همان جرم اصلی) تعیین نمایند...». به این ترتیب در این دستورالعمل ضمن بیان حداقل مصادیق جرایم اصلی، به دول عضو اجازه داده شده است که در قوانین ملی خود جرایم دیگری را هم به عنوان «جرایم اصلی» تعیین نمایند.

گروه ضربت اقدام مالی علیه پول‌شویی موسوم به فاتف (FATF)، ضمن توصیه‌های چهل‌گانه سال ۱۹۹۰ دولت‌ها را ملزم نمود که طبق کنوانسیون وین، جرایم مربوط به قاچاق مواد مخدر را به عنوان جرایم اصلی و مقدم بر پول‌شویی منظور نمایند. (Forty Recommendatios Rec.4) با این وجود در توصیه (۵) از توصیه‌های چهل‌گانه سال ۱۹۹۰ به کشورها توصیه شده است که موضوع توسعه جرایم اصلی و مقدم بر پول‌شویی از جرایم قاچاق مواد مخدر به سایر جرایم شدید را بررسی نمایند. توصیه شماره (۵) در این زمینه اشعار می‌دارد: «کشورها باید توسعه جرایم پول‌شویی از جرایم مربوط به مواد مخدر به همه جرایم شدید یا همه جرایمی که عواید کلان تولید می‌کنند یا بعضی از جرایم شدید را بررسی نمایند». به این ترتیب ملاحظه می‌شود که نهاد فاتف در سال ۱۹۹۰ میلادی یعنی تقریباً یکسال بعد از تصویب کنوانسیون وین به ضرورت توسعه جرایم اصلی، از جرایم قاچاق مواد مخدر به سایر جرایم شدید اشاره کرده و به دول عضو توصیه نموده است که این موضوع را بررسی نمایند.

در توصیه‌های چهل‌گانه اصلاحی سال ۱۹۹۶ میلادی، بدو کشورها موظف شدند که جرایم مربوط به قاچاق مواد مخدر را به عنوان جرایم مسبوق بر پول‌شویی (جرایم اصلی) قلمداد نمایند. سپس در ادامه تصریح شده است که دولت‌ها باید جرایم اصلی را به همه جرایم

شدید توسعه و تسری دهند و در قوانین ملی خود، فهرست جرایم شدید را که فی‌الواقع همان جرایم اصلی می‌باشند به طور دقیق تعیین نمایند.

در توصیه‌های چهل‌گانه فتف مصوب سال ۲۰۰۳ میلادی برخلاف توصیه‌های قبلی که فقط به ضرورت جرم‌انگاری پولشویی بر اساس کنوانسیون وین اشاره شده بود، همه دولت‌ها ملزم شدند که بر اساس کنوانسیون وین و کنوانسیون پالمو، نسبت به جرم‌انگاری پولشویی اقدام نمایند. بر اساس توصیه شماره یک دولت‌ها باید تمام جرایم مربوط به قاچاق مواد مخدر موضوع کنوانسیون وین و تمام مصادیق جرایم سازمان‌یافته فراملی موضوع کنوانسیون پالمو را به عنوان جرایم اصلی و مقدم بر پولشویی تعیین و اعلام نمایند. به علاوه آن‌ها باید کلیه جرایم شدید را به عنوان جرایم اصلی و مقدم بر پولشویی محسوب کنند.

به منظور ارائه طریق به کشورها برای تعیین جرایم اصلی، راهکارهای مختلفی در قسمت اخیر توصیه شماره یک از توصیه‌های چهل‌گانه سال ۲۰۰۳ میلادی ارائه شده است. این راهکارها عبارت‌اند از:

- ۱- تمام جرایم به عنوان جرایم مقدماتی قلمداد شوند یا
 - ۲- دسته‌ای از جرایم شدید به عنوان جرایم اصلی تعیین شوند یا اینکه جرایم اصلی بر مبنای حداقل و حداکثر مجازات حبس قابل اعمال برای این جرایم مشخص شوند یا
 - ۳- قبلاً فهرست جرایم اصلی در قوانین موضوعه تعیین گردد یا
 - ۴- بالاخره ترکیبی از این روش‌ها برای تعیین جرایم اصلی مورد استفاده قرار گیرد.
- در قسمت اخیر توصیه شماره یک پیش‌بینی شده است که چنانچه کشورها راهکار دوم را انتخاب کنند، در این صورت جرایم اصلی حداقل باید مشتمل بر تمام جرایمی باشد که مطابق قوانین داخلی آن‌ها در طبقه جرایم شدید قرار می‌گیرند یا حداقل باید مشتمل بر جرایم با حداکثر مجازات یکسال حبس باشد یا در مورد کشورهایی که دارای معیار حداقل مجازات برای جرایم در قوانین ملی خود هستند، جرم اصلی باید متضمن همه جرایمی باشد که با مجازات بیشتر از شش ماه حبس قابل مجازات هستند.

ناگفته نماند که نهاد فتف در توصیه هشت‌گانه ویژه خود راجع به مبارزه با تأمین مالی تروریسم که بعد از بروز واقعه یازدهم سپتامبر صادر کرده است، تصریح نمود که کشورها باید جرایم تروریستی و تأمین مالی تروریسم را هم به عنوان جرایم اصلی و مقدم بر پولشویی در قوانین ملی خود بگنجانند. (Special Recommendations, Spec. Rec II).

به این ترتیب ملاحظه می‌شود که در توصیه‌های چهل‌گانه نوین فتف (توصیه‌های چهل‌گانه سال ۲۰۰۳ میلادی) کشورهای عضو متعهد شده‌اند که همه جرایم شدید را به عنوان جرایم اصلی و مقدم بر پولشویی به رسمیت بشناسند. اما اینکه چه جرایمی «جرم شدید» محسوب

می‌شوند، تعیین و تشخیص آن به دول عضو محول گردیده است به همین دلیل هم بعضاً تفاوت‌هایی در کشورهای عضو فتنف راجع به مصادیق «جرایم شدید» مشاهده می‌شود. مثلاً در خصوص اینکه آیا جرایم مالیاتی هم به عنوان یک جرم شدید برای پول‌شویی محسوب می‌شوند یا خیر؟ تفاوت‌هایی بین کشورهای عضو فتنف وجود دارد. در برخی از کشورها مثل بلژیک، فنلاند، فرانسه، ایرلند، ایتالیا، هلند، نیوزیلند، اسپانیا، سوئد، انگلستان تخلفات از مقررات مالیاتی یک جرم اصلی برای پول‌شویی محسوب می‌گردد. در آلمان فرار مالیاتی در صورتی یک جرم اصلی برای پول‌شویی محسوب می‌شود که توسط عضو گروه‌های جنائی انجام شود. در ترکیه فقط کلاهبرداری مالیاتی به عنوان یک جرم اصلی قلمداد می‌گردد. در سایر کشورهای عضو فتنف مثل استرالیا، برزیل، کانادا، دانمارک، ژاپن، لوگزامبورگ، پرتغال، سنگاپور، سوئیس و آمریکا، جرایم مالیاتی به عنوان یک جرم اصلی برای پول‌شویی محسوب نمی‌شود. بالاخره در اتریش هم فقط تقلبات گمرگی و فرار از مقررات صادرات و واردات یک جرم اصلی و مقدم بر پول‌شویی تلقی می‌گردد. (<http://www.fatf.org>)

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در دوازدهمین اجلاس فوق‌العاده که در دهم ژوئن سال ۱۹۹۸ تشکیل شده است، یک اعلامیه سیاسی و طرح عملی علیه پول‌شویی را تصویب کرد. در این مصوبه، مجمع عمومی سازمان ملل متحد از تمام دولت‌های عضو درخواست نموده تا در قوانین ملی خود تمام جرایم شدید را به عنوان جرایم اصلی و مقدم بر پول‌شویی منظور نمایند.

طبق اعلامیه سیاسی و برنامه جهانی علیه جرم سازمان‌یافته فراملی که در کنفرانس جهانی وزیران پیرامون جرم سازمان‌یافته فراملی در شهر ناپل (naples) ایتالیا تصویب شد و طی یک قطعنامه به تصویب مجمع عمومی رسید، تمام جرایمی که منافع و عواید کلان تولید می‌کنند، به عنوان «جرایم اصلی» قلمداد گردیده است و به تمام دول عضو سازمان ملل متحد توصیه شده است که نسبت به جرم‌انگاری شست و شوی عواید ناشی از این جرایم اقدام نمایند. (U.N.DOC.A/RES/ 49/ 159 (1994)).

گروه آسیا - پسیفیک در مورد پول‌شویی (APG) در اجلاس فوریه سال ۱۹۹۷ که در شهر بانکوک کشور تایلند برگزار شد، تأکید نموده است که «جرم پول‌شویی باید به همه جرایم شدید تعمیم یابد و همه این جرایم باید به عنوان «جرم اصلی» به رسمیت شناخته شوند». (<http://www.apgml.org>)

در کنوانسیون پالمو مثل کنوانسیون استراسبورگ جرم اصلی تعریف شده است. طبق ماده ۲ کنوانسیون پالمو، «جرم اصلی به معنای هر جرمی است که در نتیجه ارتکاب آن عواید حاصل می‌شود که مداخله در این عواید مطابق تعریف مندرج در ماده ۶ کنوانسیون می‌تواند

واجد وصف جزایی تلقی گردد». فلذا در این کنوانسیون جرایم اصلی به جرم یا جرایم خاصی محدود نشده است بلکه هر جرمی که تولید عواید می‌کند، به عنوان جرم اصلی قلمداد گردیده است. با این وجود در فراز (ب) از بند دوم ماده ۶ کنوانسیون تصریح شده است که «... هر دولت متعاهدی باید تمام جرایم شدید مندرج در ماده ۲ کنوانسیون (جرمی که مجازات آن حداقل چهار سال حبس و یا مجازات‌های شدیدتر است) و جنایات مصرحه در ماده ۵ (مشارکت در گروه‌های جنایی سازمان‌یافته) و ماده ۸ (فساد مالی یا ارتشاء) و ماده ۲۳ (ممانعت در اجرای عدالت) آن را به عنوان جرم اصلی در قانون داخلی خود بگنجانند».

کنوانسیون سازمان ملل متحد در خصوص مبارزه با فساد مالی با اشاره صریح به جرم اصلی آن را بدین‌نحو تعریف نموده است: «هر جرمی که در نتیجه ارتکاب آن عوایدی تولید می‌شود که این عواید ممکن است موضوع جرم پیش‌بینی شده در ماده ۲۳ این کنوانسیون قرار گیرد». ماده ۲۳ این کنوانسیون هم در ارتباط با پول‌شویی می‌باشد. از سویی دیگر طبق فراز (ب) از بند ۲ ماده ۲۳ این کنوانسیون دولت عضو حداقل باید جرایم مصرحه در کنوانسیون را به عنوان جرم اصلی در قوانین ملی خود بگنجانند.

سران دولت‌های آمریکایی در اجلاسیه بوئنوس آیرس (۱۹۹۵) بیانیه‌ای را در زمینه پول‌شویی صادر کردند. شرکت‌کنندگان در این اجلاسیه تعهد نمودند که در قوانین ملی خود تطهیر عواید همه جرایم شدید را جرم‌انگاری نمایند. در بیانیه صادره منظور از جرایم شدید همان جرایم اصلی ذکر شده است اما جرایم اصلی تعریف نگردیده است بلکه تعریف آن به قوانین ملی هر کشور محول شده است.

طبق قانون نمونه کامنولث (کشورهای عضو جامعه مشترک المنافع)، جرم اصلی به معنای هر عملی است که به موجب قانون جرم بوده و برای آن مجازات اعدام یا مجازات زندان به مدت یکسال یا بیشتر تعیین شده است. از این‌رو در قانون نمونه کامنولث، جرم اصلی و مقدم بر پول‌شویی به هر جرمی گفته می‌شود که مجازات قانونی آن اعدام یا زندان بمدت دوازده ماه یا بیشتر می‌باشد (Commonwealth Model Law, 1996).

قانون نمونه سال ۱۹۹۹ تهیه شده توسط برنامه جهانی سازمان ملل علیه پول‌شویی (GPML)، با اشاره صریح به «جرم اصلی» آن را بدین‌نحو تعریف می‌کند. «هر جرم جزایی، ولو ارتكابی در خارج از کشور است که برای مرتکب تولید منفعت (عواید) می‌نماید». طبق بند (الف) ماده یک قانون نمونه یاد شده جرایم اصلی را می‌توان بر اساس مجازات قانونی جرایم یا بر مبنای طبقه‌بندی جرایم یا بالاخره تهیه لیست قبلی فهرست این نوع جرایم تعیین و مشخص نمود (Model Legislation, 1999, Art 1(f)).

در قانون نمونه سال ۲۰۰۰ و همچنین قانون نمونه سال ۲۰۰۳ تهیه شده توسط سازمان ملل متحد صراحتاً از جرایم اصلی ذکری به میان نیامده است اما پول‌شویی به شست و شوی عواید ناشی از جرایم شدید تعریف گردیده و سپس در تعریف جرم شدید آمده است: «جرم شدید به معنای هر جرمی است که به موجب قانون کشور (تصویب‌کننده قانون نمونه) حداکثر مجازات قانونی آن، اعدام یا حبس یا سایر مجازات‌های محروم‌کننده از آزادی به مدت حداقل دوازده ماه می‌باشد».

در قانون نمونه تهیه شده توسط کمیسیون بین‌آمریکایی کنترل مواد مخدر وابسته به سازمان دولت‌های آمریکایی (CICAD/OAS) به طور صریح، به اصطلاح «جرم اصلی» اشاره نگردیده است. در این قانون نمونه جرم پول‌شویی به صورت هرگونه مداخله در عواید ناشی از اعمال مجرمانه شدید تعریف شده است. با این وجود قانون مذکور جرم شدید را تعریف نکرده بلکه فقط تعدادی از جرایم را به عنوان مصادیق جرایم شدید احصاء نموده است. این جرایم عبارتند از: قاچاق غیرقانونی مواد مخدر، فعالیت‌های مربوط به تروریسم و تأمین مالی تروریسم، اعمال تروریستی و سازمان‌های تروریستی، قاچاق غیرقانونی اسلحه، قاچاق غیرقانونی انسان زنده و قاچاق اعضای بدن، فاحشگی، پورنوگرافی، آدم‌ربایی، اخاذی، فساد اداری و کلاهبرداری.

با توجه به مطالب پیش‌گفته در اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی، جرم اصلی بدواً به جرایم مربوط به قاچاق مواد مخدر محدود و منحصر بود اما به تدریج و به مرور ایام دامنه جرایم اصلی توسعه یافته و در اسناد و متون جدیدتر، قلمرو آن به مراتب گسترده‌تر و وسیع‌تر گردیده است و امروزه رویکرد غالب در اکثر اسناد بین‌المللی این است که باید تمامی جرایم شدید را در زمره جرایم اصلی و مقدم بر پول‌شویی قرار داد. البته چنین گرایشی و روندی حتی در حقوق داخلی برخی ممالک نیز به وضوح مشاهده می‌گردد. کمالینکه در نخستین قانون مرتبط با پول‌شویی در کشور انگلستان بنام «قانون جرایم قاچاق مواد مخدر مصوب سال ۱۹۸۶» (Drug Trafficking Offences Act (1986)) پول‌شویی فقط به جرایم ناشی از قاچاق مواد مخدر محدود شده بود. سپس در سال ۱۹۸۹ با تصویب قانون پیشگیری از تروریسم، اعمال تروریستی نیز به عنوان جرم اصلی و مقدم بر پول‌شویی قلمداد گردیده و بالاخره با تصویب قانون عدالت کیفری در سال ۱۹۹۳ که متأثر از دستورالعمل سال ۱۹۹۱ شورای جوامع اروپایی بود، همه جرایم موجد عواید و قابل تعقیب با کیفرخواست در ردیف جرایم اصلی قرار گرفت (بند ج ماده ۹۳ قانون عدالت کیفری مصوب سال ۱۹۹۳ میلادی).

اگرچه امروزه در بسیاری از کنوانسیون‌های بین‌المللی مثل کنوانسیون پالرمو و کنوانسیون‌های منطقه‌ای مثل کنوانسیون استراسبورگ و برخی دیگر از اسناد بین‌المللی مثل

توصیه‌های چهل‌گانه فتف، دولت‌های متعاقد موظف شدند که تمام جرایم شدید را به عنوان جرایم اصلی و مقدم بر پولشویی در قوانین ملی خود بگنجانند اما از آنجایی که در این کنوانسیون‌ها و اسناد بین‌المللی مصادیق جرایم شدید احصاء نشده است به همین دلیل کشورها در تعریف و تعیین آنچه که جرایم اصلی را تشکیل می‌دهد آزادی عمل داشته و همین امر هم عملاً موجب بروز برخی تفاوت‌ها در قوانین ملی کشورها شده است. به عنوان مثال در کشور فرانسه فرار مالیاتی، یکی از جرایم اصلی و مقدم بر پولشویی قلمداد می‌شود اما همین جرم در سیستم حقوقی سوئیس در ردیف جرایم اصلی نمی‌باشد. البته در مواردی که به موجب کنوانسیون‌های بین‌المللی، جرایم خاصی به عنوان مصادیق جرایم اصلی تعیین گردیده است مثل کنوانسیون وین که جرایم مربوط به قاچاق مواد مخدر را به عنوان جرم اصلی و مقدم بر پولشویی لحاظ کرده است و کنوانسیون پالمو که برخی از مصادیق جرایم سازمان‌یافته را در ردیف جرایم اصلی قرار داده است؛ در این موارد دولت‌های متعاقد ملزم هستند که در قوانین ملی خود، حداقل این جرایم را، به عنوان جرم اصلی و مقدم بر پولشویی ملحوظ نظر قرار دهند و در این زمینه لزوماً بین دول متعاقد اتفاق نظر و وحدت عمل خواهد بود اما به غیر از این مورد، وجود اختلاف نظر بین دولت‌های متعاقد امری طبیعی است.

بررسی و مطالعه در قانون مبارزه با پولشویی کشورها، ما را به این نتیجه می‌رساند که در خصوص تعیین و تعریف جرایم اصلی و مقدم بر پولشویی چند راهکار جداگانه وجود دارد:

۱- بعضی از کشورها مفهوم بسیار مضیق از پولشویی را پذیرفته‌اند. در این کشورها فقط جرایم مربوط به قاچاق مواد مخدر به عنوان «جرم اصلی و مقدم بر پولشویی» قلمداد می‌شود. کشورهای آنگولا، اوگاندا در زمره این کشورها قرار دارند.

۲- در برخی از کشورها، تمامی جرایم جزائی را می‌توان به عنوان جرم اصلی و مقدم بر پولشویی قلمداد نمود. در «قانون عدالت کیفری مصوب سال ۱۹۹۴ ایرلند» (Ireland:Criminal Justice Act (1994) و «قانون پیشگیری و مبارزه با پولشویی مصوب سال ۱۹۹۶ قبرس» (Cyprus:Prevention and Suppression of Money Laundering Activities Law (1996)) و همچنین در سیستم حقوقی جمهوری چک (Czech Republic: Act on Measures Against Legalization of the Proceeds from Criminal Activity,(1998)) از چنین راه‌کاری تبعیت شده است. البته توسعه و تعمیم جرم پولشویی به تمام جرایم مولد منفعت مالی قابل انتقاد است. فلسفه جرم‌انگاری پولشویی مقابله و مبارزه با جرایمی است که عواید کلان تولید می‌کنند. فلذا قرار دادن همه جرایم ولو جرایم خرد و کم‌اهمیت در زمره جرایم اصلی با فلسفه جرم‌انگاری پولشویی سازگاری ندارد. از سوی دیگر مهار و کنترل و مبارزه با پولشویی همواره مستلزم صرف هزینه‌هایی است که در این صورت هم توسعه و

تعمیم پول‌شویی به تمام جرایم ولو جرایم کوچک و کم‌اهمیت به لحاظ اقتصادی مقرون به صرفه نمی‌باشد.

۳- در برخی از کشورها، فهرست جرایم اصلی و مقدم بر پول‌شویی در قوانین موضوعه احصاء شده است. هند، ((India: Prevention of Money Laundering Act (1999)) یونان، ((Greece: Prevention and Combating the Legalization of Income from Criminal Activities Act (1996)) سوآزیلند ((Swaziland: Money Laundering Act (2001)) از جمله این کشورها می‌باشند. کشورهایی که از این روش پیروی می‌کنند با یک مشکل جدی رو به رو هستند. این کشورها مجبور هستند به طور مرتب و پیوسته در فهرست جرایم اصلی تجدیدنظر نمایند و جرایم جدیدی را به این لیست اضافه کنند و این مایه زحمت و دردسر است. (الیزابت جویس، ۱۳۸۲، ص ۴۷).

۴- بعضی از کشورها بر مبنای حداقل یا حداکثر مجازات قانونی یا براساس طبقه‌بندی مجازات‌ها یا معیار دیگری جرم اصلی را تعریف و توصیف نموده‌اند. در قانون پیشگیری از پول‌شویی مصوب سال ۲۰۰۳ کشور سنت لوسیا از این شیوه تبعیت شده است. به موجب این قانون، جرم اصلی به جرمی گفته می‌شود که با حداقل دوازده ماه حبس یا اعدام قابل مجازات می‌باشد. قانون عدالت کیفری مصوب سال ۱۹۹۳ انگلستان نیز با پیروی از چنین راهکاری جرم پول‌شویی را علاوه بر قاچاق مواد مخدر و تروریسم به همه رفتارهای جزایی قابل تعقیب با کیفرخواست تسری داده است. (England: Criminal Justice Act (1993))

در لایحه مبارزه با پول‌شویی مصوب مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۲/۲/۶)، از جرم اصلی و مقدم بر پول‌شویی تحت عنوان «جرم منشاء» یاد شده است (تبصره‌های ۲ و ۳ ماده ۷) لیکن هیچ تعریفی از جرم مذکور ارائه نگردیده است. معهدا از مادتين یک و دو لایحه مرقوم به ویژه ماده دو لایحه مستفاد می‌گردد که تمام اعمال مجرمانه به عنوان «جرم اصلی» و بنا به تعبیر به کار رفته در لایحه «جرم منشاء» قلمداد شده است. فلذا در لایحه مصوب مجلس شورای اسلامی، قلمرو جرم پول‌شویی بسیار موسع و گسترده بوده و فقط محدود به برخی از جرایم یا منحصر به جرایم شدید نمی‌باشد. لازم به ذکر است که در متن پیش‌نویس لایحه تهیه شده توسط هیات دولت برخی جرایم نظیر ارتشاء، اختلاس، تبانی در معاملات دولتی، کلاهبرداری، فرار مالیاتی، قاچاق کالا و ارز، فحشا، قمار، قاچاق مواد مخدر، ربا و سرقت به عنوان مصادیقی از جرایم اصلی و مقدم بر پول‌شویی ذکر شده بود اما این احصاء تمثیلی در حین بررسی و تصویب در صحن علنی مجلس از متن لایحه حذف شده و مآلاً تمام اعمال مجرمانه مولد عواید جزائی به عنوان جرم اصلی و مقدم بر پول‌شویی پیش‌بینی گردیده است.

قرار دادن همه اعمال مجرمانه در ردیف «جرم اصلی و مقدم بر پولشویی» و در نتیجه توسیع غیرضروری دامنه پولشویی حتی از لحاظ اقتصادی هم غیرقابل توجیه است و با فلسفه ظهور ایده جرم‌انگاری پولشویی نیز سازگاری ندارد. چرا که فلسفه جرم‌انگاری پولشویی مقابله و مبارزه با جرایمی است که عواید کلان تولید می‌نمایند و به همین دلیل هم امروزه در اغلب اسناد و متون بین‌المللی مثل توصیه‌های چهل‌گانه فاتف، دستورالعمل سال ۲۰۰۱ شورای جوامع اروپایی و کنوانسیون پالرمو و حتی مصوبات سازمان ملل متحد نظیر اعلامیه سیاسی و طرح عملی مصوب سال ۱۹۹۸ میلادی، جرم اصلی و مقدم بر پولشویی، فقط به جرایم شدید محدود و منحصر گردیده است. فلذا لایحه مبارزه با پولشویی مصوب مجلس شورای اسلامی از این حیث قابل انتقاد است. برای رفع این ایراد، شایسته است که در لایحه مذکور، همانند بسیاری از اسناد بین‌المللی جرایم اصلی فقط به جنایات شدید، من جمله جرایم سازمان یافته محدود و منحصر گردد.

در خصوص ارتباط بین «جرم پولشویی» و «جرم اصلی» این سؤال به ذهن متبادر می‌شود که آیا جرم پولشویی ماهیتاً جرمی مستقل و علیحده می‌باشد یا اینکه در ادامه جرم اصلی ارتکاب یافته و قسمتی از آن محسوب می‌شود؟ در برخی از سیستم‌های حقوقی پیش‌بینی شده است که مرتکب جرم اصلی را نمی‌توان تحت عنوان معاونت یا مباشرت در پولشویی هم مجازات نمود بلکه فقط مجازات جرم اصلی در مورد آن‌ها قابل اجرا خواهد بود. در این طرز تلقی پولشویی ادامه و استمرار جرم اصلی قلمداد شده و به لحاظ عدم امکان تعیین دو مجازات برای جرم واحد، تحمیل مجازات پولشویی بر مرتکب جرم اصلی غیرممکن می‌باشد. در نتیجه چنین رویکردی، مرتکب جرم پولشویی همواره باید فردی غیر از مرتکب جرم اصلی باشد. اما این دیدگاه قابل دفاع نیست. عملی که مرتکب جرم اصلی با درآمدهای حاصل از جرم انجام می‌دهد یک عمل جدید و علیحده است و به همین دلیل هم مستلزم کیفر جداگانه می‌باشد. از سوی دیگر استناد به اینکه برای جرم واحد نمی‌توان دو مجازات تعیین کرد نیز مسموع نمی‌باشد زیرا تطهیر اموال ناشی از جرم، یک جرم مستقل با جمیع ارکان و عناصر متشکله بوده و از این حیث با جرم اصلی کاملاً متمایز است. (جزایری، ۱۳۸۲، ص ۱۱۹).

در اغلب سیستم‌های حقوقی، جرم پولشویی، کاملاً مستقل از جرم اصلی است از این رو اگر شخصی مرتکب جرم اصلی شود و سپس شخصاً اقدام به تطهیر عواید حاصل از آن جرم نماید مرتکب جرایم متعدد شده است. چنین حالتی تعدد مادی جرم از نوع مختلف بوده و قاعده جمع مجازات قابل اعمال است. در ماده ۳۱ قانون عدالت کیفری ایرلند از همین سیستم پیروی شده است. به موجب این ماده چنانچه شخصی مرتکب جرمی شده و سپس شخصاً از طریق عملیات پولشویی عواید ناشی از جرم ارتكابی خود را تطهیر نماید، مرتکب دو جرم

شده است: یکی جرم اصلی (predicate offence) و دیگری جرم پول‌شویی (money laundering offence). این نوع پول‌شویی را پول‌شویی اولیه (primary money laundering) می‌نامند. Micheal (2000, p.42) Ashe مستقل بودن جرم پول‌شویی از جرم اصلی ایجاب می‌کند که جرم پول‌شویی صرف‌نظر از جرم اصلی قابل تعقیب و مجازات باشد ولو اینکه مرتکب جرم اصلی بنا به دلالتی قابل تعقیب و کیفر نباشد. با این وصف اگر کسی با پول حاصل از جرم ارتكابی خود اتومبیلی را ابتیاع نماید در این صورت خریدار مرتکب دو جرم جداگانه گردیده است او هم مرتکب جرم اصلی شده است که مجازات مستقل ویژه خود را دارد و هم مرتکب جرم پول‌شویی شده است که از این بابت نیز مستحق کیفر است وانگهی چنانچه فروشنده هم به منشاء غیرقانونی ثمن معامله آگاه باشد او هم به عنوان شریک در جرم پول‌شویی محسوب می‌شود. (السليمان، ۲۰۰۴، ص ۳۹).

تحقق جرم پول‌شویی منوط به مجازات شدن مرتکب جرم اصلی نمی‌باشد. مرتکب جرم اصلی ممکن است اساساً مورد تعقیب واقع نشده باشد یا به طور کلی قابل مجازات نباشد یا فوت شده یا متواری گردیده باشد. در همه این فروض چنانچه شخص ثالثی عالماً و عامداً اموال ناشی از این جرم را مورد پول‌شویی قرار دهد، به عنوان مرتکب جرم پول‌شویی قابل تعقیب و مجازات خواهد بود.

در اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی، برای تحقق جرم پول‌شویی وجود خصوصیت خاصی برای مرتکب جرم شرط نشده است و در نتیجه حتی مرتکب جرم اصلی هم ممکن است به عنوان مرتکب جرم پول‌شویی قابل تعقیب و کیفر باشد. با این وجود در بسیاری از اسناد و متون بین‌المللی پیش‌بینی شده است که دولت‌ها می‌توانند در قوانین ملی خود، مقررات لازم را برای عدم اعمال جرم پول‌شویی نسبت به مرتکب جرم اصلی پیش‌بینی نمایند. در بند (ب) ۲ از ماده ۶ کنوانسیون استراسبورگ پیش‌بینی گردیده است که کشورهای عضو می‌توانند ضمن قوانین ملی خود مقرر نمایند که جرایم پول‌شویی در مورد مرتکب جرم اصلی قابل اعمال نباشد. همین حکم در قسمت اخیر شماره یک از توصیه‌های چهل‌گانه فتف (سال ۲۰۰۳) نیز پیش‌بینی شده است. به موجب این توصیه «... کشورها می‌توانند در صورتی که طبق اصول اساسی قوانین ملی آن‌ها لازم و ضروری باشد، پیش‌بینی نمایند که جرم پول‌شویی نسبت به مرتکب جرم اصلی اعمال نمی‌گردد».

ماده ۶ کنوانسیون پالرمو و همچنین ماده ۲۳ کنوانسیون مبارزه با فساد مالی نیز اشعار می‌دارد که چنانچه اصول اساسی قوانین ملی دولت متعاقد اقتضا نماید، این کشور می‌تواند در قانون داخلی خود تصریح کند که جرایم پول‌شویی نسبت به اشخاصی که مرتکب جرایم اصلی شده‌اند، قابل اعمال نباشد.

بنابراین در اسناد بین‌المللی فوق‌الذکر، ضمن تأکید بر استقلال کامل جرم پولشویی از جرایم اصلی به دول عضو و متعهد این امکان داده شده است که در چارچوب قوانین ملی خود جرایم پولشویی و مجازات آن را بر مرتکب یا مرتکبین اصلی اعمال نکنند. از این رو کشورهای متعهد می‌توانند ضمن قانون مبارزه با پولشویی، شرط تحقق بزه پولشویی را به وجود یک خصوصیت سلبی در مرتکب جرم موکول نمایند که در این صورت جرم پولشویی در صورتی محقق خواهد بود که مرتکب آن فردی غیر از فاعل جرم اصلی باشد.

حسب مستفاد از ماده یک لایحه مبارزه با پولشویی به ویژه بند (ج) آن، مرتکب جرم پولشویی ممکن است همان مرتکب جرم اصلی یا هر شخص ثالث دیگری باشد و در نتیجه لایحه مرقوم، هم پولشویی اولیه و هم پولشویی ثانویه را پذیرفته است. در لایحه مذکور هیچ‌گونه تفاوتی از جمله در زمینه نوع و میزان مجازات بین این دو نوع پولشویی ملاحظه نمی‌گردد. لیکن در ماده ۶۶۲ قانون مجازات اسلامی به عنوان یکی از مصادیق سستی پولشویی در سیستم حقوقی ایران، تحقق جرم مداخله در اموال مسروقه، منوط به این است که مرتکب جرم غیر از خود سارق باشد. این مطلب از قید «... با علم و اطلاع یا با وجود قراین اطمینان‌آور...» استنباط می‌گردد و بر این اساس هرگاه خود سارق، پس از ارتکاب جرم سرقت، شخصاً اموال مسروقه را مخفی یا مورد معامله قرار دهد در این صورت او مرتکب جرم مداخله در اموال مسروقه نگردیده است بلکه فقط تحت عنوان سارق و مرتکب جرم سرقت قابل تعقیب و مجازات می‌باشد. (میر محمدصادقی، ۱۳۷۷، ص ۳۵۷) البته مطابق یک نظریه دیگر باید بین مواردی که سارق اموال مسروقه را مخفی می‌کند و یا آن را مورد معامله قرار می‌دهد، قائل به تفکیک شد. در حالت اول سارق مرتکب جرم مداخله در اموال مسروقه نشده است بلکه فقط از جهت سرقت قابل تعقیب و مجازات می‌باشد اما در حالت دوم یعنی موردی که سارق پس از سرقت، اموال مسروقه را مورد معامله قرار می‌دهد، در این فرض او مرتکب دو جرم شده و از باب تعدد جرم قابل مجازات خواهد بود. (میر محمدصادقی، ۱۳۸۱، ص ۳۲۰).

نتیجه:

با توجه به مباحث مطروحه جرم‌انگاری پولشویی هم در سطح حقوق ملی و هم در عرصه حقوق بین‌المللی بدو از جرایم مربوط به قاچاق مواد مخدر شروع گردیده است فلسفه چنین رویکردی به منافع و عواید هنگفت ناشی از قاچاق مواد مخدر برمی‌گردد کما اینکه در عصر حاضر نیز بسیاری از عملیات‌های پولشویی کلان به جرایم یاد شده مرتبط بوده و دامنه جرم‌انگاری پولشویی در بعضی از کشورها نیز کماکان به جرایم قاچاق مواد مخدر محدود و منحصر می‌باشد. اما از آنجایی که علاوه بر جرایم مربوط به قاچاق مواد مخدر بسیاری از جرایم

دیگر هم وجود دارند که ارتکاب آنها عواید کلانی به دنبال دارد به همین دلیل به مرور ایام دامنه جرم‌انگاری پول‌شویی به برخی از جرایم دیگر نیز تسری یافته است.

مندرجات اغلب اسناد بین‌المللی حاکی است که قلمرو جرم‌انگاری پول‌شویی باید به تمام جرایم شدید گسترش یابد و شست و شوی عواید حاصل از همه جرایم شدید واجد وصف جزایی شناخته شود. در همین راستا بسیاری از کشورهایی که اقدامات تقنینی لازم را برای مبارزه با پول‌شویی تصویب نموده‌اند با پیروی از توصیه‌ها یا تعهدات بین‌المللی دامنه جرم‌انگاری پول‌شویی را به جرایم شدید توسعه داده‌اند حتی در برخی از کشورها شست‌وشوی عواید حاصل از همه جرایم (به طور مطلق) جرم‌انگاری شده است.

همان‌طور که محدود نمودن قلمرو جرم‌انگاری پول‌شویی به عواید حاصل از قاچاق مواد مخدر غیرقابل توجیه می‌باشد، توسیع غیرضروری دامنه آن به مطلق جرایم نیز قابل توجیه نمی‌باشد. در نتیجه شایسته است در قوانین ملی کشورها فقط جرایم شدید در ردیف جرایم اصلی و مقدم بر پول‌شویی قرار گیرند. اما از آنجایی که برای تعیین جرایم شدید هیچ ضابطه قطعی در اسناد بین‌المللی پیش‌بینی نشده است از این رو هر کشوری بر مبنای مقتضیات و شرایط حقوق داخلی خود به تعریف و تبیین این جرایم می‌پردازد.

منابع و مأخذ:

الف: فارسی و عربی

- ۱- اسعدی، حسن، (۱۳۸۲)، «نقش فزاینده پول‌شویی و مصادره اموال در قاچاق مواد مخدر»، مجموعه مقالات و سخنرانی‌های همایش بین‌المللی مبارزه با پول‌شویی، چاپ اول، تهران، نشر وفاق.
- ۲- جویس، الیزابت، (۱۳۸۲)، «موازن بین‌المللی قانون‌گذاری و تنظیم مقررات در زمینه مبارزه با پول‌شویی»، مجموعه مقالات و سخنرانی‌های همایش بین‌المللی مبارزه با پول‌شویی، چاپ اول، تهران، نشر وفاق.
- ۳- السلیمان، خالد، (۲۰۰۴م)، *تبیض الاموال*، طرابلس، الموسسه الحدیثه الکتاب.
- ۴- جزایری، مینا (۱۳۸۲)، «جرم پول‌شویی به عنوان یک جرم مستقل»، مجموعه مقالات و سخنرانی‌های همایش بین‌المللی مبارزه با پول‌شویی، چاپ اول، تهران، نشر وفاق.
- ۵- شیرکوند، سعید (۱۳۸۲)، «پول‌شویی: پیامدها و اقدامات انجام شده»، مجموعه مقالات و سخنرانی‌های همایش بین‌المللی مبارزه با پول‌شویی، چاپ اول، تهران، نشر وفاق.
- ۶- میرمحمد صادقی، حسین، (۱۳۷۹)، «پاکنمایی یا تطهیر اموال کثیف ناشی از جرم»، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی علمی-کاربردی جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر، جلد اول، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
- ۷- میرمحمد صادقی، حسین، (۱۳۸۱)، *حقوق جزای اختصاصی (جرایم علیه اموال و مالکیت)*، چاپ هفتم، تهران، نشر میزان.

ب: خارجی

- 1- 19 Aruba Recommendations, 1990.
- 2- Commonwealth: Model Law for the Prohibition of Money Laundering, May 1996.
- 3- Council of Europe: Convention on Laundering, Search, Seizure, and Confiscation of Proceeds from Crime, Adopted in Strasbourg on Aug 11, 1990. (Strasbourg Convention).

- 4- Directive 2001/97/EC of the European Parliament and of the Council of 4 December 2001 Amending Council Directive 91/308/EEC.
- 5- FATF Eight Special Recommendations on Terrorist Financing, 30 October 2001.
- 6- Forty Recommendations of the Financial Action Task Force on Money Laundering, 1990.
- 7- Forty Recommendations of the Financial Action Task Force on Money Laundering, 1996.
- 8- Forty Recommendations of the Financial Action Task Force on Money Laundering and Terrorist Financing, 2003.
- 9- <http://www.apgml.org>
- 10- Michael Ash S.C. (2000), Money Laundering: Risks and Liability, Doblin, Sweet and Maxwell.
- 11- Political Declaration and Action Plan Against Money Laundering Adopted at the Twentieth Special Session of the United Nations General Assembly Devoted to Countering the World Drug Problem Together New York, 19 June 1998.
- 12- The EC Directive: the EC Directive on Prevention of the Use of Financial System for the Purpose of Money Laundering. O. J. Comm. (No1 166) 77, 1991.
- 13- The OAS Model Regulation: Model Regulation Concerning Laundering Offences Connected to Illicit Drug Trafficking and Related Offences of the Organization of American States, OEA/ser. P, AG. Doc. 2916/92. Rev. I. May 23. 1992.
- 14- UN. DOC. A/RES/49/159 (1994).
- 15- United Nation Conventions Against Illicit Traffic in Narcotic Drugs and Psychotropic Substances, Adopted in Vienna on Dec 19, 1988.
- 16- United Nations International Drug Control Program (UNDCP) "Model Money Laundering and Proceeds of Crime Bill", 2000.
- 17- United Nations Office for Drug Control and Crime Prevention (UNODCCP) Global Program Against Money Laundering, "Model Legislation Confiscation and International Cooperation in Relation to the Proceeds of Crime", 1999.
- 18- United Nations Office on Drugs and Crime (UNODC), "Model Money Laundering, proceeds of Crime and Terrorist Financing Bill (2003).
- 19- United Nations: Convention Against Corruption, December 11, 2003. (Merida Convention).
- 20- United Nations: Convention Against Transnational Organized Crime 2000.(Palermo Convention).

از این نویسنده تاکنون مقالات زیر در همین مجله منتشر شده است:

«نقش دیوان داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی و مقررات آن در حل اختلافات ناشی از فعالیت‌های بین‌المللی و موفقیت جمهوری اسلامی ایران»، سال ۱۳۶۶، شماره ۲۳. «دلیل باطل و آثار آن در سیستم‌های حقوقی مختلف سال ۱۳۷۰، شماره ۲۶. «گزارش کنگره موسسه بین‌المللی حقوق به زبان فرانسه سال ۷۳، شماره ۳۰. «سیاست جنایی در قبال مواد مخدر (اصلاح قانون و تناسب جرم و مجازات) سال ۱۳۸۰، شماره ۵۱. «عناصر تشکیل دهنده جرایم مالی و وجوه افتراق و اشتراک آنها در ارتباط با وظایف دادرسی، سال ۱۳۸۵، شماره ۷۲.